

هوش مصنوعی یا برادر بزرگتر



محمد رهبری

پژوهشگر
شبکه‌های اجتماعی

برادر بزرگ‌تر، یکی از مفاهیم نمادینی است که در پژوهش‌های مربوط به اقتدارگرایی و توتالیترسیم (تمامیت‌خواهی)، بارها مورد ارجاع قرار گرفته است. این مفهوم که برگرفته از رمان پادامان شهری ۱۹۸۴ جورج اورول است، نمادی از قدرت مطلق، نظارت دائمی و کنترل روانی بر جامعه است. با توسعه روزافزون فناوری‌های جدید از جمله اینترنت اشیا و هوش مصنوعی، نگرانی بابت آنکه همه افراد جامعه به‌طور کامل تحت نظارت هوش مصنوعی باشند و «برادر بزرگ‌تر» نمود عینی در جامعه پیدا کند بیش از پیش شده است. امری که می‌تواند منجر به شکل‌گیری ورژن جدیدی از توتالیترسیم شود. این امر خصوصاً زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که از منظر فناوریانه، هیچ چیزی وجود ندارد که مانع از نظارت انبوه توسط دولت‌ها از طریق استفاده از دوربین‌های هوشمند برای تحلیل چهره، سانسور خودکار محتوا، جمع‌آوری لحظه‌ای داده‌های کاربران و استفاده از آن برای شناخت و پیش‌بینی رفتار کاربر و... از جمله مواردی است که می‌تواند توسط دولت‌ها برای بسط و ایجاد نظارت دائمی بر شهروندان استفاده شود. این نظارت انبوه که تقریباً امکان اعتراض به آن وجود ندارد، خطرناک است. قدرت نظام‌های سیاسی، با استفاده از این داده‌ها، بیشتر شده و در عمل این داده‌ها می‌تواند به رویکردهای اقتدارگرایانه توسط دولت‌ها دامن بزند. البته این تصور که فقط دولت‌ها ممکن است از این ابزارها برای بسط اقتدارگرایی استفاده کنند، دیگر تصور درستی نیست. هوش مصنوعی می‌تواند باعث ورژن نوعی «تمامیت‌خواهی شرکتی» نیز بشود؛ چراکه بسیاری از داده‌های کاربران در اختیار این شرکت‌هاست. ما بدون آنکه خودمان اطلاع داشته باشیم، مرتب داریم این داده‌ها را در اختیار شرکت‌های بزرگ نظیر گوگل، اپل، متا یا مایکروسافت قرار می‌دهیم. از اطلاعات مربوط به سلامت جسمی و روانی گرفته تا احساسات شخصی در طول روز و مکان‌هایی که در آن رفت‌وآمده‌ایم. موضوع فقط منحصر به داده‌های شبکه‌های اجتماعی نیست؛ بلکه این شرکت‌ها از طریق ساعت‌های هوشمند، اینترنت اشیا و فناوری‌های مربوط به خانه، تصاویر شخصی ذخیره شده روی کالود و... نیز ما را به‌صورت مداوم و لحظه‌ای رصد و نظارت می‌کنند. امری که تکنک انسان‌ها را قابل پیش‌بینی کرده و باعث شده تا نقاط ضعف هر شخصی برای این شرکت‌های بزرگ، و چه‌جا دولت‌ها، آشکار شود. بدین ترتیب امکان اثرگذاری بر انسان از طریق احساسات‌اش و دستکاری ذهن او، دیگر چندان دشوار نیست. به‌قول نویسنده کتاب «انسان خردمند» ما اکنون هابل هک‌شدن هستیم. به‌تعبیر دیگر، دولت‌ها و شرکت‌ها راحت‌تر از گذشته می‌توانند خواسته‌های خودشان را از طریق کاربران پلتفرم‌ها پیش ببرند. بدین ترتیب به‌تعبیر «زیوف» آنچه در حال وقوع است، تنها یک دگرگونی فناوریانه نیست، بلکه نوعی کودتای خاموش علیه حاکمیت انسان‌ها بر آینده‌شان است. بنابراین فناوری در خطر تبدیل‌شدن به یکی از خاستگاه‌های توتالیترسیم (تمامیت‌خواهی) است. این فرآیند تدریجی است و به آرامی و در غیاب آگاهی کاربران این ابزارهای فناوریانه، عمل‌مدیران این شرکت‌های بزرگ و شاید برخی دولت‌ها، بازیگران اصلی باشند که صاحب قدرت هستند و ما را -یعنی کاربران شبکه‌های اجتماعی و چت‌بات‌ها را -از طریق داده‌هایی که خودمان دواطلبانه در اختیارشان قرار دادیم، کنترل و نظارت می‌کنند. البته نباید همه چیز را به‌غیرقابل کنترل دانست؛ اینجا موضوع «اراده» انسانی امری تعیین‌کننده است. این خود ما به‌عنوان کاربران این پلتفرم‌ها هستیم که می‌توانیم تصمیم‌بگیریم تمام لحظات زندگی‌مان را در این پلتفرم‌ها به‌اشتراک بگذاریم یا نگذاریم. ما می‌توانیم شخصی‌ترین احساسات‌مان را با چت‌بات‌ها در اختیار نگذاریم؛ می‌توانیم هر تصویری را درون پلتفرم‌ها به‌اشتراک نگذاریم؛ می‌توانیم برای استفاده از یک ابزار نه‌چندان ضروری، دسترسی به اطلاعات مهم رایج به خودمان و زندگی‌مان را به آن ابزار ندهیم. بااین حال به‌دلیل وابستگی روزافزون به ابزارهای فناوریانه، در عمل مقاومت در برابر عدم «اتصال» یا عدم «اشتراک داده» دشوار است؛ خصوصاً آنکه ممکن است برای یک فرد عادی این پرسش پیش بیاید که «حالا اگر داده‌های من را داشته باشد، چه اهمیتی دارد؟ چرا یک شرکت فناوریانه باید برای کنترل من یا نظارت بر من تلاش کند؟». سوالی که پاسخ به آن مهم است. بااین حال پیش از طرح این پرسش، آگاهی از مخاطرات فناوری اهمیت دارد. اساساً اینکه فرد چنین پرسشی از خود بکند، یک گام به پیش است.

تحولات اجتماعی و سیاسی ناشی از فناوری، تدریجی است و همین می‌تواند منشأ غفلت ما از مخاطرات آن باشد. اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی به‌طور ناگهانی ظهور نمی‌کند؛ بلکه در یک فرآیند تدریجی محقق می‌شود. این تصور که روزی شرکت‌های بزرگ فناوری ما را کنترل کنند، شاید دور به‌نظر برسد اما در یک فرآیند تدریجی کاملاً ممکن است. البته نباید فناوری‌های هراسی کرد؛ ما وارد عصری شده‌ایم که نمی‌توان و نباید از فناوری دوری گزید. اما نحوه استفاده از فناوری و آگاهی از مخاطرات احتمالی آن، امری ضروری است که باید مرتب از آن گفت تا بلکه عموم کاربران این پلتفرم‌ها نسبت به آن، حساسیت بیشتری پیدا کنند؛ این وظیفه‌ای است که دانشگاهیان، متخصصان این حوزه و رسانه‌هایش از هر کس بر دوش دارند.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایران

هزار توی آزادی تلگرام

اخبار غیررسمی از رفع فیلترینگ تلگرام در آینده نزدیک شنیده می‌شود اما مخالفان با بهانه‌های عجیب به دنبال مانع تراشی هستند

مهسا طاعتی
خبرنگار گروه فرهنگ

تلگرام در بین ایرانی‌ها محبوب‌ترین شبکه اجتماعی است و فیلترینگ گسترده هم تأثیری در کاهش این محبوبیت نداشته است. در حال حاضر پس از گذشت تقریباً هفت‌سال از فیلتر این پلتفرم در سال ۱۳۹۷، اخبار غیررسمی منتشر می‌شود که به‌زودی محدودیت دسترسی کاربران ایرانی به تلگرام رفع خواهد شد. هر چند مسئولان تاکنون نسبت به اخبار ضدوچاقی درباره رفع فیلتر تلگرام واکنشی نشان نداده‌اند، اما مخالفان رفع فیلتر تلگرام بیکار ننشسته‌اند و در تلاش هستند تا با ادعاهای واهی مانع از تحقق این مهم شوند.

▼ انتشار خبرهای ضد و نقیض

رفع فیلترینگ یکی از اولویت‌های کلیدی دولت پزشکیان است و از زمان شروع به کار این دولت تاکنون هربار و عده‌هایی در این خصوص مطرح شده است. البته پس از گذشت پنج‌ماه از فعالیت دولت چهاردهم و در دی‌ماه سال گذشته اولین گام برای رفع فیلترینگ برداشته و واتس‌آپ و گوگل‌پلی رفع فیلتر شد. هر چند از نظر کارشناس‌ها و فعالان این اقدام به‌دلیل تداوم فعالیت فیلترشکن‌ها کافی نبوده، اما رفع فیلتر واتس‌آپ و گوگل‌پلی را از این جهت که برای نخستین‌بار به رفع فیلتر رأی داده شد، مثبت دانستند. پس از این هم، وزیر ارتباطات از اجرای گام‌های بعدی رفع فیلترینگ سایر پلتفرم‌های بین‌المللی خبر داد. در ادامه هرازگاهی مسئولان از سخنگوی دولت گرفته تا وزیر ارتباطات از تحقق این وعده می‌گفتند، اما هربار اتفاق خاصی رخ نمی‌داد. در شرایطی که جامعه و فعالان چشم انتظار رفع فیلترینگ سایر پلتفرم‌ها بودند، در اواسط سومین ماه از سال ۱۴۰۴ با حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان، اولویت‌ها تغییر کرد؛ موضوعی که مسعود پزشکیان هم به آن اشاره و اعلام کرد که اگر جنگ اتفاق نمی‌افتد، قرار بود تعدادی دیگر از پلتفرم‌ها رفع فیلتر شوند. بیش از یک‌ماه از این اظهارات گذشت و باز هم خبری از رفع فیلترینگ نشد، اما سخنگوی دولت در اواخر مهرماه دوباره مطرح کرد که اگر اسرائیل حمله نکرده بود، فیلترینگ خیلی زودتر رفع شده بود. پس از این اظهارات و در دو هفته اخیر، اخبار ضد و نقیضی درباره توقف ادعاهای بعدی رفع فیلترینگ و مذاکرات ایران با تلگرام برای رفع فیلتر تلگرام مطرح شد. هر چند مسئولان واکنشی نسبت به این موارد نشان ندادند، اما برای چندمین بار بر رفع محدودیت‌های اینترنت تأکید کردند. الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت با تأکید بر اینکه رفع فیلترینگ از روز اول جزو برنامه‌های دولت بوده است و رئیس‌جمهور به‌طور جدی این موضوع را پیگیری می‌کند، مطرح کرد که دولت به‌دنبال آن است که فرمولی پیدا کند تا این مسئله را بدون ایجاد اختلاف، شکاف و دوقطبی‌سازی در جامعه حل و فصل کند. بااین حال مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از رفع فیلتر تلگرام در روزهای آینده خبر داد. به گفته او، خبرهای غیررسمی از سوی دولت مبنی بر رفع فیلتر تلگرام به‌دست نمایندگان رسیده است.

▼ دور جدید مخالفت‌ها

این خبر تاکنون تأیید یا تکذیب نشده، اما به‌نظر می‌رسد که مخالفان رفع فیلترینگ بیکار ننشسته‌اند و در تلاش هستند تا با ادعاهای واهی مانع از رفع فیلترینگ شوند. محمدعلی نقدعلی، نماینده خمینی‌شهر در هفته جاری با طرح این ادعا که دولت یک توافقی را با تلگرام دارد امضاء می‌کند و این توافق هنوز به اطلاع شورای عالی مجازی نرسیده است، خطاب به وزیر ارتباطات هشدار داد که اگر این موضوع درست باشد و قرارداد بدون تصویب مجلس امضاء شود، به استیضاح وزیر منجر می‌شود. اما محمدمدقار قالیباف، رئیس مجلس این اظهارات را از اساس کذب دانست. او همچنین با اشاره به مصوبه ۳۲ بندی شورای عالی فضای مجازی تأکید کرد که در پلتفرم خارجی که بخواهد در ایران فعالیت کند، ابتدا باید ضوابط و مقررات داخلی کشور را بپذیرد. علاوه بر مخالفت برخی نماینده‌های مجلس با احتمال رفع فیلتر تلگرام، صدواسیمای هم در یک برنامه تلویزیونی هم‌مان‌هایی را به‌عنوان کارشناس پژوهشگر فضای

مجازی دعوت کرده که صحبت‌های غیرکارشناسی و غیرمستندی درباره نقش تلگرام در تحولات اقتصادی و بحران‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند. این اظهارات با انتقادات مردم و کنشگران اینترنت که مدت‌ها چشم‌انتظار رفع فیلترینگ هستند، مواجه شد. محمدحسین سیاح‌طاهری به‌عنوان یک کارشناس فضای مجازی، اظهارات غیرکارشناسی درباره پیامدهای منفی فعالیت تلگرام در جامعه مطرح کرده است. او هتندادغده اصلی مردم را رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی و تلگرام ندانسته؛ بلکه این پلتفرم را محیطی ناامن و مشابه «وب‌تاریک» بستی برای جرائم، قاچاق و محتوای غیراخلاقی توصیف کرده است. سیاح‌طاهری همچنین مدعی شد که تلگرام بر نرخ ارز ایران تأثیر گذاشته و حتی موجب بی‌ثباتی اقتصادی شده است. او برای رفع فیلتر تلگرام پیشنهاد کرده که ابتدا فقط چندساعت در روز تلگرام رفع فیلتر شود یا فقط در برخی استان‌ها رفع فیلتر صورت گیرد. عزیز نجف‌پور هم در همان برنامه که صدواسیمای او به‌عنوان پژوهشگر حوزه فضای مجازی دعوت کرده، با اشاره به سابقه ارز دیجیتال گرام، فیلتر تلگرام را اقدامی برای پیشگیری از بحران مالی مشابه مؤسسات غیرمجاز دانست و ضمن انتقاد از مذاکرات احتمالی با مدیران این پلتفرم، آن را تکرار تجربه اعتماد به غر ب‌توصیف کرد.

▼ فعالیت نیمی از ایرانی‌ها در تلگرام

در حالی این کارشناس، رفع فیلتر تلگرام را دغدغه مردم نمی‌داند که براساس گزارش‌های مختلف، بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون ایرانی به‌طور روزانه از این پلتفرم استفاده می‌کنند. طبق آمار دیگر هم ایران از لحاظ تعداد کانال‌های تلگرامی و اعضای آن‌ها در رتبه سوم دنیا ایستاده است. همچنین تلگرام محبوب‌ترین پلتفرم برای ایرانی‌ها در اطلاع از اخبار و فضای تجاری مکمل است. براساس نتایج آخرین نظرسنجی منتشرشده از ایسپا، حدود ۹۰ درصد از دانشجویان ایرانی از پیام‌رسان تلگرام استفاده می‌کنند. از طرف دیگر تلگرام در دنیای تجارت الکترونیک کشور سهمی ۴۱ درصدی دارد. از میان ۶۰ میلیون کاربر ایرانی که در تلگرام ثبت‌نام کرده‌اند هم، ۲۴ میلیون کاربر فعال هستند. تداوم فیلترینگ نه‌تنها این آمار و ارقام از استقبال ایرانی‌ها از تلگرام را کاهش نداده، بلکه روند محبوبیت این پلتفرم با وجود محدودیت‌های فیلترینگ و فیلترشکن‌ها همچنان ادامه دارد. ازسوی دیگر، ادعایی که درباره نقش تلگرام در افزایش قیمت دلار مطرح شده، از این جهت اشتباه و غیرکارشناسی است که روند افزایشی نرخ ارز با وجود فیلترینگ تلگرام در سال‌های بعد هم ادامه یافته است. براساس آمار و اطلاعات منتشرشده، میانگین نرخ فروش دلار در بازار آزاد در پایان سال ۱۳۹۷ حدود ۱۳ هزار تومان بوده است. البته در برخی ماه‌ها در آن سال به ۱۸ هزار تومان هم رسد. حالا که چندین سال از فیلتر تلگرام می‌گذرد، این رقم در حال حاضر به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. با این اوصاف علاوه بر این، نرخ دلار یک متغیر اقتصادی است و نوسانات آن هم به عواملی چون تحولات سیاسی، تحریم‌ها، سیاست‌های ارزی، کسری بودجه و عملکرد بانک مرکزی وابسته است. همچنین ادعای نقش تلگرام در «قاچاق» یا «فعالیت‌های جنایی» نیز به‌شاهد دقیقی نیاز دارد که کارشناس صدواسیمای گزارش‌های معتبری در این مورد ندارد تا آن را اثبات کند. از طرف دیگر، هر چند پژوهش‌هایی هستند که تلگرام و سایر پیام‌رسان‌ها را بستر پنهان این فعالیت‌ها معرفی می‌کنند، اما این مطالعات عمدتاً به امکانات بالقوه اشاره دارند، نه شواهد کامل مبتنی بر داده. با این اوصاف و با وجود هشدارهای مکرر درباره تبعات منفی فیلترینگ، از جمله تضعیف زیرساخت‌های اینترنت، افزایش گردش مالی سودجویان فیلترشکن و زبان قابل توجه کسب‌وکارها، اظهارات اخیر کارشناسان صدواسیمای دوباره انتقاداتی را متوجه این رسانه ملی کرده است. موافقان رفع فیلترینگ بارها با اشاره به سودهای کلان ۲۰ تا ۵۰ هزار میلیاردی فیلترشکن‌ها مطرح کرده‌اند که تداوم فیلترینگ تنها به‌نفع فیلترشکن فروش و کسانی که از این بازار سود می‌برند، است. حالا که این روزها اخبار غیررسمی از رفع فیلترینگ تلگرام در آینده نزدیک منتشر می‌شود، دور جدید مخالفت‌ها از احتمال رفع فیلتر این پلتفرم ابهامات و سوالات جدیدی را هم در ذهن جامعه ایجاد کرده است. از این جهت که موافقان فیلترینگ به‌دنبال کسب سود و منفعت از بازار میلیاردی فیلترشکن‌ها هستند یا خیر، در غیر این صورت، براساس چه استدلال و شواهد معتبری مخالف رفع فیلتر هستند؟

تاریخ

روزی میان واقعه و حقیقت

درباره روایت‌ها از رخداد‌های ۱۳ آبان



روح‌الله فردوسی

منتقد و نویسنده

۱۳ آبان‌ماه در تقویم رسمی، روز دانش آموز و نماد اعتراض است اما در حافظه‌ی فرهنگی و تاریخی ملت، معنایی بسیط‌تر و ژرف‌تر دارد؛ روزی که جوانی، دانش و اعتراض درهم‌تنیدند و صدای نسلی از درون تاریخ برخاست که هنوز پژواک آن در فضای جامعه طنین دارد. این‌روز اگر چه در سپهر سیاست معنا یافته است اما در لایه‌های عمیق‌تر، سخن از نسبت انسان و آگاهی دارد؛ از پیوند میان جوانی و حقیقت‌جویی، از میل به آزادی و کرامت انسانی، نه‌که منحصر به حکومتی خاص است و نه در چارچوب ایدئولوژی‌ای محدود می‌ماند.

هر واقعه‌ی تاریخی دو چهره دارد؛ یکی در آیین‌های قدرت و دیگری در آیین‌های حقیقت. نگاه رسمی، ۱۳ آبان را در قالب گفتمان سیاسی تفسیر کرده است، اما نگاه مردمی و معرفتی، آن را فرصتی برای تأمل در ماهیت اعتراض، تربیت مدنی و خودآگاهی نسلی می‌داند که می‌خواست خود را در برابر بی‌عدالتی و سلطه تعریف کند. در این معنا ۱۳ آبان تنها یک رویداد نیست، بلکه نمادی از سیر بیداری در ذهن و وجدان جامعه است؛ همان لحظه‌ای که «فکر» به «کنش» تبدیل می‌شود و «دانش»، در مسیر اخلاقی آزادی گام برمی‌دارد. در فلسفه‌ی تاریخ، هیچ جنبش یا قیامی را نمی‌توان بی‌ریشه در بستر فرهنگی و معرفتی‌اش فهم کرد. اگر نسل جوان در ۱۳ آبان به میدان آمد، این نه از میل کور به تغییر، بلکه از احساس نابرابری میان دانستن و بودن بود؛ آنان حقیقتی آموخته بودند که در واقعیت زندگی نمی‌دیدند. آن تضاد میان معرفت و واقعیت، همان نقطه‌ی آغاز هر تحول فکری است. از همین‌رو ۱۳ آبان را می‌توان روز تلاقی آگاهی و اعتراض دانست؛ جایی که اندیشه، از صرف گفتار، به میدان عمل وارد شد. جامعه‌ای که می‌خواهد از تکرار خطاهای تاریخی رهایی یابد، باید به‌جای روایت‌سازی سیاسی، به بازخوانی فلسفی این گونه رویدادها بپردازد. فلسفه به ما می‌آموزد که هر حرکت اجتماعی، تنها در پرتو پرسش‌های بنیادین معنا می‌یابد. اینکه آزادی چیست؟ قدرت تا کجا مشروع است؟ عدالت چگونه ممکن می‌شود؟ و چه نسبتی میان اخلاق و اعتراض برقرار است؟ این پرسش‌ها ۱۳ آبان را از واقعه‌ای تاریخی به رخدادی معرفتی بدل می‌کنند؛ رخدادی که هنوز می‌تواند آیین‌های نقد و خودآگاهی جامعه باشد.

۱۳ آبان را باید در چارچوب بزرگ‌تری از تاریخ ایران دید؛ تاریخی که همواره میان اطاعت و اعتراض، سکوت و فریاد، امید و یأس در نوسان بوده است. در چنین بستری، دانش‌آموز آن روز، نماینده‌ی نسلی شد که می‌خواست میان دانستن و زیستن آشتی برقرار کند. او دیگر نمی‌خواست صرفاً مخاطب تعلیم باشد، بلکه می‌خواست معلم سرنوشت خویش شود. این بیداری، ماهیتی فرهنگی و اخلاقی داشت، نه صرفاً سیاسی؛ زیرا سرچشمه‌ی آن، نیاز به کرامت انسانی و فهم درست از آزادی بود. اگر از منظر جامعه‌شناختی بنگریم، ۱۳ آبان را می‌توان لحظه‌ای از خودآگاهی جمعی دانست؛ لحظه‌ای که نظام تعلیم و تربیت با واقعیت اجتماعی‌اش روبه‌رو شد. مدرسه که تا آن‌زمان محل انضباط و تبعیت بود، به میدان اندیشه و اعتراض بدل شد. این دگرگونی نشان می‌دهد که نهاد آموزش اگر از حقیقت و عدالت تهی شود، به خود اعتراض می‌انجامد؛ چراکه آگاهی، ذاتاً در جست‌وجوی صدق و آزادی است، نه در خدمت قدرت.

بااین‌همه آنچه امروز بیش از هر چیز نیازمند بازاندیشی است، چگونگی تداوم روح آن‌روز در عصر ماست. ۱۳ آبان تنها زمانی معنا دارد که به‌جای بازتولید شعار، به تربیت اندیشه‌بینجامد؛ به‌پروش نسلی که بداند چگونه بیاندیشد، چگونه بپرسد و چگونه آزاد بماند. فلسفه، اخلاق و گفت‌وگو، سه ستون اصلی چنین جامعه‌ای هستند؛ جامعه‌ای که دانش‌آموز در آن نه ابزار، که صاحب اندیشه است.

اگر بخواهیم از تجربه تاریخی ۱۳ آبان درسی برای امروز بگیریم، آن درس چیزی جز ضرورت آشتی میان آموزش و تفکر و میان آگاهی و عدالت نیست. جامعه‌ای که فلسفه را به کلاس‌های درس خود بازگرداند، اعتراض را نیز در قالب عقلانی و اخلاقی‌اش باز می‌یابد. آن‌گاه ۱۳ آبان، نه روزی برای تکرار گذشته، که روزی برای اندیشیدن به آینده خواهد بود؛ آینده‌ای که در آن هیچ دانشی از حقیقت تهی نباشد و هیچ حقیقتی از اخلاق جدا نشود.



عکس: Getty Image